



سوره فرقان

آیه ۷۴

نشانه‌های بنده‌گان شایسته خدا

# کنجکاوی

## در آیات الهی

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا  
 : افرادی که وقتی که آیات خدای خود یاد آور شدند ، کر و کور بر  
 آن نمی‌افتند ( گوش و چشم بسته بر آن نمی‌گذرند ) .

تفکر و اندیشه ، نبی از شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد ، همچنانکه احساسات

از دیدگاه یک فیلسوف که با اندیشه انسان و رشد فکری و پرورش نیروی  
 استدلال او سروکار دارد تفکر و اندیشه ، تشکیل دهنده تمام شخصیت او است ، از این  
 جهت پیوسته انسان را با جمله زیر معرفی می‌کند:  
 " الانسان حیوان ناطق " انسان جاندار متفکر است

ما فعلا کاری نداریم که آیا تفکر و اندیشه، سازنده تمام منش یک انسان است به طوری که غرائز و تمایلات نفسانی در ساختن شخصیت انسان کم اثر می باشند، یا این که دخالت غرائز و امور نفسانی در شخصیت و منش انسان، کمتر از دخالت تفکر او نیست، لکن چیزی که جملگی برآنند این است که تفکر و اندیشه در جداسازی این جاندار، از دیگر جانداران و بالا بردن مقام و موقعیت او در جهان، سهم بسیار بسزائی دارد و کافی است که پیامبر گرامی می فرماید: "قَوَّامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ" حقیقت انسان عقل اوست"

نیروی تفکر، با جسم و بدن انسان، همراه و همزاد است و با تکامل آن روی به تکامل می گذارد، گاهی سن واقعی انسان با سن روانی و فکری او به طور یکسان پیش می رود، ولی گاهی روی عللی میان این دوسن نوسان هائی پیش می آید، و یکی از دیگری عقب می ماند. نارسائی فکری از آن کسی است که سن واقعی و به اصطلاح سن جسمی او، در حال صعود باشد اما سن روانی او در حال رکود بوده و یا کمتر پیشرفت کند.

مثلا یک زن چهل ساله ممکن است از نقطه نظر فکری، تا سطح پانزده ساله ها رشد نموده باشد، ولی از لحاظ سن واقعی یک فرد سالمند محسوب می شود، و بالعکس پسر ده ساله که دارای حس مسئولیت و هدف مشخصی است از نظر سن، یک کودک، ولی از لحاظ عقل و فکر یک فرد جوان به شمار می رود.

مرد بیست و پنج ساله ممکن است روحیات کودک پنج ساله را داشته باشد، اما کودکی احیانا از نظر قدرت مکالمه، حس دادگری، و کمک به هم نوع، گوی سبقت را از همبازی های خود ربوده باشد.<sup>۱</sup>

امروز روانشناسی با روش های جدیدی توانسته است میزان رشد روانی افراد را برآورد کند. یکی از طرق شناسائی سن روانی افراد، و رشد و عدم رشد فکری آنان، این است که افراد رشید پیوسته کارها را از مجرای عقل و منطق تعقیب می کنند در حالی که افراد غیر رشید، در جهان وهم و خیال زندگی می نمایند.

و به قول "هاری اورستریت" الگوی عدم رشد فکری روانی، انجام کار از طریق وهم و خیال، و الگوی رشد فکری روانی، انجام آن از طریق برنامه منطقی است

اگر رشد فکری و سن روانی فردی، هم‌زمان با سن واقعی شخص پیش برود، خرد و عقل او حجت درونی الهی بوده و اندیشه‌های صاف و پاکیزه او، بسان گفتار پیامبران می‌باشد که وحی خطاناپذیر است و چشم‌انداز زندگی را در نظر او روشن می‌سازد و او را از لغزش صیانت می‌دهد.

امام هفتم در بیان مفصل و گسترده خود، به یکی از شاگردان ممتاز خود

( هشام بن حکم ) چنین می‌گوید:

” يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَحُجَّةَ بَاطِنَةٍ أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَلِيمَةُ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ “<sup>۲</sup>؛ ای هشام خداوند برای بشر، دو حجت فرستاده است. یکی آشکار و دیگری پنهان، دلیل آشکار، پیامبران و پیشوایان دینی هستند و حجت پنهان خرد او است<sup>۳</sup>

هر فردی از افراد سالم بشر، دارای عقل طبیعی است، که به اصطلاح احادیث

به آن عقل مطبوع می‌گویند<sup>۴</sup> ولی همین عقل طبیعی، در شرایط خاصی پرورش پیدا کرده و آدمی از عقل و تفکر اکتسابی برخوردار می‌گردد، و انسان در پرتو عوامل خاصی، شخصیت و منش خاصی پیدا می‌کند.

در روانشناسی ثابت شده است که چهار عامل در ساخت منش انسان تأثیر بسزایی دارند، و آنها عبارتند از روزنامه، رادیو، فیلم و تبلیغات ( وسائل ارتباط جمعی )، محتویات این چهار عامل در معماری روح و روان انسانی تأثیر خاصی دارند، و تأثیر آنها در جهت موافق و یا مخالف رشد فکری، قابل انکار نیست.

اصول‌خواندن و دیدن و شنیدن مهم نیست، مهم این است که بدانیم چه می‌خوانیم، چه می‌بینیم، چه می‌شنویم، از این نظر آئین اسلام در قلمرو خواندنی‌ها و دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها محدودیت‌هایی قائل شده، و از آنچه مایه تخدیر فکرو اندیشه و انحراف فکر انسانی است جلوگیری نموده است.

درباره تأثیرات نامطلوبی که از این چهار عامل نصیب جامعه‌های صنعتی

۲- اصول کافی ج ۱ ص ۱۶.

۳- امیرمؤمنان می‌فرماید: الْعِلْمُ عِلْمَانُ مَطْبُوعٌ وَمَسْمُوعٌ، وَلَا يَنْفَعُ الْمَسْمُوعُ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْمَطْبُوعُ ( کلمات قصار شماره ۲۳۸ )؛ ”علم بر دونوع است، علم فطری و طبیعی و علم مسموع که از راه آموختن به دست می‌آید“ اگر علم و باعقل فطری نباشد، علم دوم مفید واقع نمی‌گردد.

گردیده است " هاری استریت روانشناس معروف چنین می گوید :

مطبوعات ، رادیو ، سینما ، و تبلیغات را می توان چهار اصل اساسی ارتباطات نامید ، زیرا اینها چهار روش بزرگ استفاده مالی از طریق تاثیرات فکری می باشند ، جای خوشوقتی بود اگر چهار اصل یادشده باعث رشد مناسب منش انسانی می گردید ، ولی حقیقت امر چیز دیگری است با وجود اینکه هریک از چهار اصل فوق ، به رشد ما کمک کرده اند ، ولی هریک نیز از طریق فرمول خود جلوگیری از کسب رشد کامل روانی نموده اند <sup>۴</sup>

هنگامی که اسلام ، انسان را دعوت به تفکر می کند ، موضوع فکر را نیز یادآور می گردد تا فکر و اندیشه را در سیراوه به کار نبریم .

در آیه مورد بحث ، موضوع تفکر را تدبیر در " آیات الهی " معرفی می کند و می گوید : **إِذَا دُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ** : " وقتی در برابر آیات الهی قرار گیرند . "

در آیه دیگر بندگان خدا را چنین توصیف می کند .

**الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ۗ۵** : آنان کسانی هستند که خدا را در تمام احوال ایستاده و نشسته و برپهلوی ، یاد می کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند ( و می گویند ) پروردگارا کج خلقت را بی هدف بیافریده ای . "

بقیه  
سخن ماه  
مدن دوران قبل از اسلام را دربرگرفته باغرفهای که مربوط به آثار بعد از اسلام است باهم مقایسه کنید و ببینید آثار ایران در دوران چند هزار سال قبل از اسلام چندان تفاوت نکرده درحالی که پس از اسلام در یکی دو قرن جهش فوق العاده یافته است .

رهی ناسپاسی و رهی نمک نشناسی و رهی بی انصافی

عجب این است که نامبرده آثار و کلماتی از سعدی را که جنبه عمومی و همگانی دارد در مقاله اش ستوده همانند شعر بنی آدم . . . و کلمات حکمت آمیز دیگری از این قبیل درحالی که اهل اطلاع بخوبی می دانند که بسیاری از اینها ترجمه و اقتباس از سخنان پیشوایان بزرگ اسلام است که شعرای ما آنها را به فارسی برگردانده اند .

به هر حال این کوتاه بینی و تعصب خشک در عصر ما چیز عجیب و وحیرت آوری

است .